

سازوکار فاشیسم

سیاست ما و آنها

جین استنلی

بابک تختی



مؤسسه انتشارات نگاه
«تأسیس ۱۳۵۲»

۹	مقدمه
۱۷	فصل ۱: گذشته‌ی اسطوره‌ای
۳۴	فصل ۲: تبلیغات
۴۴	فصل ۳: روشنفکرستیزی
۶۰	فصل ۴: ناواقعیت
۷۷	فصل ۵: سلسه‌مراتب
۸۸	فصل ۶: قربانیشدگی
۱۰۰	فصل ۷: نظم و قانون
۱۱۵	فصل ۸: دلهره‌ی جنسی
۱۲۶	فصل ۹: سدوم و عموره
۱۳۷	فصل ۱۰: ARBEIT MACHT FREI
۱۶۱	مؤخره
۱۶۷	قدردانی
۱۷۰	یادداشت‌ها

فصل ۱: گذشته اسطوره‌ای

یهودستیزان «دیدگاه» خود را به نام سنت برپا می‌کنند. آنها به نام سنت، به نام پیوند خونی با پاسکال و دکارت و به بهانه گذشته تاریخی طولانی، به یهودیان می‌گویند شما هرگز به اینجا تعلق نداشتید.

- فرانتس فانون، پوست سیاه، نقاب سفید (۱۹۵۲)

تمام نحله‌های گوناگون، سیاست فاشیستی خود را صاحب رگ‌وریشه‌های اصیل تاریخی می‌دانستند؛ پس این کتاب باید با بررسی تاریخ آغاز شود. سیاست فاشیستی از گذشته پاک اسطوره‌ای یاری می‌طلبد که به گونه‌ای تراژیک ویران شده است. بسته به نحوه پیدایش هرملتی، تاریخ اسطوره‌ای دوره‌ای است که ملت از نظر مذهبی یا نژادی یا فرهنگی و یا هر سه اصیل و دست‌نخورده بوده است. اما ساختار مشترکی در میان تمام این اسطوره‌سازی فاشیستی دیده می‌شود. در همگی آنها، داستان پرآب‌وتاب زندگی خانوادگی بر مبنای مردسالاری بر همه چیز مقدم است، داستانی که شاید عمرش به همین چند نسل پیش برسد. در گذشته کمی دورتر، گذشته اسطوره‌ای دوران شکوفایی ملوک و ملت بود؛ سرشار از جنگ‌های ظفرمندان سپه‌سالاران وطن‌پرست که ارتش زیر فرمانشان متشکل از مردان روستازاده، قوی بنیه، سلحشور و سرسپرده‌ای بود که زنانشان در خانه در کار پرورش

نسل بعد بودند. این اسطوره‌ها در زمان حال و زیر سایه فاشیسم، بنیان هویت ملی قرار می‌گیرند.

طبق روایت ملی‌گرایی افراطی، خفتی که ارمغان جهانی‌گرایی^۱، لیبرالیسم، جهان‌وطن‌گرایی^۲ و پذیرش «ارزش‌های جهان‌شمول» مانند برابری بود این گذشته دل‌باز را به باد فنا داد. این ارزش‌ها اصلاً به قصد و نیت تضعیف ملت در برابر چالش‌های واقعی و خطرناکی ساخته شده که حیات آن را هدف گرفته است.

این گذشته اسطوره‌ای حاصل خیال‌پردازی نسبت به گذشته‌ای یکدست است که گرچه هرگز وجود نداشته، بنا به ادعای سیاست فاشیستی، هنوز در سنت شهرهای کوچک و نواحی روستایی عاری از گزند فساد لیبرالی شهرها به حیات خود ادامه می‌دهد. این یکدستی زبانی، مذهبی، جغرافیایی یا نژادی می‌تواند در برخی جنبش‌های ملی‌گرا کاملاً عادی باشد، اما وجه تمایز اسطوره‌های فاشیستی خلق تاریخ ملی شکوهمندی از دوران فرمانروایی این ملت برگزیده بر دیگر کشورهاست و مملو از داستان‌هایی درباره کشورگشایی‌ها و تمدن‌سازی آن. برای مثال، در تصور فاشیستی، گذشته بی‌بروگرد در قید و بند نقش جنسیتی سنتی و پدرسالارانه بوده است. گذشته اسطوره‌ای فاشیستی مستلزم ساختار مشخصی است که پشتیبان ایدئولوژی سلسله‌مراتبی و دیکتاتوری آن باشد. این جوامع گذشته، به ندرت به اندازه‌ای که ایدئولوژی فاشیستی ادعا می‌کند پدرسالارانه یا در حقیقت شکوهمند بوده‌اند، اما چون به بحث ما مربوط نمی‌شوند، از آنها می‌گذرم. این تاریخ من‌درآوردی هم سندی است برای برپایی سلسله‌مراتب در شرایط امروز و هم سازوکار درست امور را در جامعه معاصر نشان می‌دهد.

بنیتو موسولینی در سخنرانی سال ۱۹۲۲ کنگره فاشیست‌ها گفت:

ما اسطوره خود را آفریدیم. این اسطوره ایمان‌آوری است، برانگیختن شور

1. globalism

2. cosmopolitanism